

۲۳- مخزن الغرایب - تألیف شیخ احمدعلی هاشمی درباره شرح حال شعرا.

۲۴- هفت آسمان - تألیف شیخ احمد علی هاشمی درباره مثنوی سرایان

۲۵- شمع انجمن - تألیف نواب صدیق مربوط به شرح حال شعراء

۲۶- طریق الحقایق (۱)

کشف اللغات - از عبدالرحیم بن احمد شامل لغات و اصلاحات صوفیه - سراج اللغات - از

سراج الدین علی خان.

ایندراج - ارمنشی محمد

ارمعان آصفی - از محمد عبدالغنی خان

خزانه اللغات - ارشاه جهان بیگم

فرهنگ - از سید محمدعلی داعی الاسلام

اصف اللغات - از نواب

غیاث اللغات - تألیف محمد غیاث الدین (لغات فارسی - عربی - ترکی)

## چغیرا

### جغرافیا

قبل از تأسیس دارالفنون علم جغرافیا مورد توجه نبود، پس از تأسیس رشته جغرافیا زیر نظر استادان خارجی، به این علم آشنایی پیدا شد. و نخستین بار به وسیله فارغ التحصیل های این رشته نقشه شهر تهران ترسیم و رسالاتی در خصوص این علم ترجمه و تألیف گردید. با توجه به توسعه روابط بازرگانی و لزوم آشنایی با قلمروهای مختلف، علم جغرافیا بیشتر مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفت.

کتابهای جغرافیایی این دوره فارسنامه ناصری تألیف حاجی میرزا حسن شیرازی مشهور به فسایی، کتاب جام جم تألیف اعتماد السلطنه و کتاب گنج دانش تألیف محمدتقی خان حکیم است. سفرنامه‌ها نیز حاوی اطلاعات جغرافیایی درباره شهرها بوده است، سفرنامه‌های ناصرالدین شاه - سفرنامه مسعودی تألیف مسعود میرزا ظل السلطان، کتاب بیستان السیاحه تألیف حاجی

زین‌العابدین شیروانی.

نوشته سیاحان خارجی نیز اطلاعات مفیدی درباره اوضاع جغرافیایی ایران دارد.

کتاب مأموریت گاردان در ایران - کتاب مسافرت به ایران تألیف پرنس آلکسیس سولیتکف

(۱) کتاب سه سال در دربار ایران تألیف دکتر فووریه طبیب مخصوص ناصرالدین شاه سفرنامه از

خراسان تا بختیاری تألیف هانری رنه

در این سفرنامه‌ها از وضع راهپا و آداب و رسوم و وضع اقتصادی، مطالبی نوشته شده که بسیار

قابل استفاده است. (۱) ۹

فلاسفه

فلاسفه

اگر فلسفه را فقط به قلمرو استدلال محدود نسازیم، باید بدون شک فلسفه را از میراث دینی و فرهنگی تمام تمدن‌های کهن مشرق زمین و به خصوص ایران بشناسیم. اگر در یونان فلسفه را از دامن دین و عرفان جدا ساختند و آن را به صورت مستقل مطرح کردند، فلاسفه شرق هیچگاه حاضر به این جدایی نشدند و به این دلیل نیز حکمت آنان از شک و تردید و تزلزل فکری فلسفه غرب که اکنون گریبان‌گیرشان شده مصون مانده و توانسته است در طی قرون متمادی، دیدی از جهان هستی عرضه دارد.

فلسفه از اندیشه‌های متفکران یونان در قرون قبل از میلاد مسیح سرچشمه گرفته و از آن تاریخ از یونان به سرزمین‌های دیگر نفوذ کرده و مراحل تحوّل و تصفیه را پشت سر گذارده است.

یکی از جریان‌هایی که با اندیشه‌های فلسفی یونانیان در آمیخت و از آمیزش آن طوفانی سخت در اذهان پیا خواست، اندیشه اسلامی و بیش‌تو حیددی مسلمانان بود. مسلمانان فلسفه یونانی را نه صد درصد رد کردند و نه صد درصد پذیرفتند، بلکه در آن دست به انتخاب زدند و تغییراتی به وجود آوردند و همواره هدف آنان این بود که فلسفه را هرچه بیشتر با دین سازش دهند و جنبه‌های غیر توحیددی و شرک آمیز آنرا بزدایند. در این گیرودارها بود، که عده‌ای به ورطه‌های کفر و خطا و زندقه در افتادند و یا از طرف ظاهرینان مورد تکفیر قرار گرفتند. تا جایی که شیخ فلاسفه اسلام یعنی

ابوعلی سینا را نیز مورد تهمت قرار دادند. می‌گویند شیخ‌الرئیس در دفاع از خود شعری به مضمون زیر سروده است.

کفر چو منی گزاف و آسان نبود      محکمر از ایمان من ایمان نبود  
در دهر چو من یکی و آنهم کافر      پس در همه دهر یک مسلمان نبود

البته فلاسفه دیگر از فارابی و رازی گرفته تا خود ملاصدرا، از این حملات و تکفیرها در امان نبودند و بعضی آنها را مورد اتهام قرار می‌دادند که یونانیان صاحب کتاب آسمانی نبودند و در میان آنان پیامبری ظهور نکرد و لذا اندیشه‌های آنان بر چیزی غیر از مذهب و کلام خداوندی استوار بود و از این جهت مسلمانان که مقام و مرتبه وحی را بر هر اصل و اساسی مقدم می‌دانستند، زیر بار افکار حکمای یونانی نمی‌رفتند و به این فلاسفه به دیده شک و تردید می‌نگریستند.

مکتب فلسفی که به مکتب مشاء در عالم اسلامی مشهور شد، به طور کامل تحت تأثیر فلسفه ارسطویی بود و حکمای مشائی چنان که باید و شاید نتوانسته بودند میان افکار متخذ از دین و اندیشه‌های ارسطویی توافق ایجاد کنند و یکی از نمونه‌های ناهماهنگی آنان مسأله معاد و جسمانی باروحانی بودن آن بود، سیر اندیشه‌های فلسفی از بدو پیدایش آن در اسلام، تا زمان حاضر یک نقطه عطف مهم و اساسی دارد و آن ظهور صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی معروف به ملاصدرا است. صدرالدین شیرازی در کتاب شواهد الربوبیه مبنای تفکرش را بر آیات قرآنی و احادیث پیامبر و ائمه اطهار(ع) قرار داد و در پیمودن کوره راههای فلسفی از پیشینیان خود به مراتب موفق‌تر گردید. ملاک اندیشه‌های فلسفی از ابتدا قرآن و سنت بود و پس از آن اندیشه‌های دیگر که می‌بایست با قرآن و سنت وفق پیدا کند.

ملا صدرالدین روش استدلالی و اشرافی را بهم آمیخت و به نام حکمت متعالیه معرفی نمود. ملاحسین فیض صاحب کتابهای محجة البیضاء، حق الیقین، الصافی کلمات مکنونه و عبدالرزاق لاهیجی صاحب کتابهای سرمایه ایمان، گوهر مراد و مشارق و شوارق که از شاگردان او بودند، افکار او را اشاعه دادند و بعد از آنها هم قاضی سعید قمی و محمد صادق ارجستانی به ترویج افکار او پرداختند.

از آغاز قرن سیزدهم با ظهور فرقه شیخیه و مخالفت شدید شیخ احمد احسانی با افکار فلسفی ملاصدرا، مدتی از رونق این مکتب کاسته شد، ولی در نیمه دوم قرن سیزدهم، بار دیگر تعالیم این مکتب مورد توجه قرار گرفت و حکمایی مانند ملا اسماعیل خواجه‌نوی، آقا محمد

بیدآبادی، آخوند ملا علی نوری، ملا اسماعیل اصفهانی، آخوند ملای قزوینی و حاجی محمد جعفر لنگرودی به تدریس و ترویج افکار ملاصدرا پرداختند تا این که با آمدن حاجی ملاهادی سبزواری و تعلیمات او، مکتب ملاصدرا دوباره رونق گرفت.

درباره وضع فلسفه در دوره قاجاریه باید گفت: مکتب فلسفی که ملاصدرا در عهد صفوی در قرن ۱۱ هجری پایه گذاری کرد، در عهد افشاریه و زندیه مورد توجه نبود، ولی در عهد قاجار توسط دانشمندانی مانند، ملا علی نوری و حاج ملاهادی سبزواری احیاء شد. در تهران نیز آقا محمد رضا قمشه‌ای و میرزا ابوالحسن جلوه شاگردان زیادی تربیت نمودند. و توانستند مکتب فلسفی اسلامی را تا عصر حاضر در ایران زنده نگاه دارند، که اینک به شرح حال آنها می پردازیم.<sup>(۱)</sup>

نوری مازندرانی: علی بن جمشید نوری مازندرانی از مشاهیر فلسفه و کلام و فقه، در قرن ۱۳ هجری است. وی در حوزه‌های علمی مازندران و قزوین و اصفهان تدریس می کرد. او فلسفه و کلام را از آقا محمدآبادی و میرزا ابوالقاسم مدرّس اصفهانی و عده دیگر فرا گرفته بود. از این دانشمند که پیرو مکتب ملاصدرا است، چند کتاب باقی مانده است.

تفسیر سوره توحید، کتاب الرد، حاشیه بر کتاب «الشواهد الربوبیه» اثر ملاصدرا، حاشیه بر «الاسفار الاربعه» ملاصدرا.

درگذشت این حکیم را به سال ۱۲۴۶ نوشته‌اند.<sup>(۲)</sup>

حاج ملاهادی سبزواری: از شخصیت‌های عالی مقام و طراز اول در فلسفه است و فلاسفه بعدی مدیون اندیشه‌های باریک و دقیق او می باشند.

حاجی ملاهادی سبزواری از درخشانترین چهره‌های فلسفی اسلام است.

وی در سن بیست و یک سالگی پس از تکمیل مراحل تحصیلی برای ادامه تحصیل، به مرکز علم و دانش زمان خود، یعنی اصفهان عزیمت کرد. در آن روزگار شهر اصفهان مرکز فرهنگ و فلسفه ایران بود و بسیاری از مشاهیر علم و هنر در آن شهر به کار نشر و ترویج علوم و فرهنگ اشتغال داشتند. در آن زمانها قاعده تحصیل و فراگیری چنین بود. که جویندگان علم، اعم از علوم دینی یا غیر دینی، برای تکمیل دانش خود به جستجوی ماهرترین و مبرزترین متخصصان رشته‌های مورد نظر می پرداختند و اگر شرایط حضور و استفاده از کلاس درس اساتید طراز اول را می داشتند، به محضر

۱ - فلسفه در اعصار تاریخ ایران - سید حسن صدر ص، ۲۵۰۹

۲ - تاریخ فلاسفه ایرانی - علی اصغر چلبی ص ۷۶۸

آنان می‌رفتند.

بیشتر اوقات طالب علم برای استفاده از محضر استاد مورد نظرش، موطن خود را ترک و در محل اقامت استاد سکونت می‌کرد.

آنچه حکیم سبزواری را وادار به ترک زادگاه خود کرد وجود دو متفکر بزرگ اسلامی آن روزگار در شهر اصفهان بود. یعنی حاجی محمد ابراهیم کلباسی و حاج ملا محمد تقی برغانی که از لحاظ علمی و روحانی، مقامی بس رفیع داشتند. حاجی سبزواری چند سالی از عمر خویش را به تحصیل علوم دینی و فلسفی نزد این دو بزرگوار گذراند و از خرمن دانش آنها بهره‌های فراوانی گرفت.

گویند حاجی ملاهادی روزی در یکی از مساجد اصفهان از کنار حجره‌ای می‌گذشت که در آن حجره فیلسوف برجسته و سرشناس آن روزگار آخوند ملا اسماعیل درب کوشکی مبحث توحید را برای شاگردان خود تدریس می‌کرد. آخوند ملاهادی مدتی توقف نمود و به سخنان استاد گوش فرا داد و عمق کلام و شیوه بیان آخوند ملا اسماعیل، در گوش جان او اثر کرد و از آن پس به عزم تحصیل در جرگه شاگردان خاص او در آمد و تا مدت ده سال ملازم استاد خود بود و علوم معقول اسلامی را از او فراگرفت.

حاجی ملاهادی در سال ۱۲۴۲ از اصفهان به مشهد مقدس که یکی از حوزه‌های فرهنگی ایران آن زمان بود، سفر کرد و در این شهر سکونت اختیار نمود و در یکی از مدارس شهر به تدریس کتب فلسفی ملاصدرا پرداخت و طی مدت کوتاهی حوزه درس و تعلیم او در رشته‌های معقول و منقول رونق فراوان یافت و دوستان و معارف اصیل اسلامی از اطراف و اکناف برای استماع دروس او به حضورش می‌شتافتند.

حکیم سبزواری در مسائل فلسفی از پیروان صدرالدین شیرازی است و در فهم و تحقیق مبانی فکری، این فیلسوف مقام ارجمندی دارد.

فیلسوف شهیر هند «محمد اقبال لاهوری» در کتاب سیر فلسفه در ایران، درباره وضع فلسفه در این دوره می‌نویسد که: «فلسفه ایرانی پس از ملاصدرا با ترک آیین نوافلاطونی به فلسفه اصیل افلاطون روی آورد. نماینده بزرگ این گرایش جدید حاج ملاهادی سبزواری (متوفی در سال ۱۲۹۸) است.

«در تعالیم فلسفی سبزواری به سه مفهوم اساسی که با فلسفه ایران اسلامی پیوند گسست ناپذیر

دارد، بر می‌خوریم:»

«۱- مفهوم وحدت مطلق حقیقت یا حق ذات وجود که «نور» نام گرفته است.

۲- مفهوم تکامل که در آیین زردشت در ضمن موضوع سرنوشت نفس انسانی بصورتی مبهم درآمده در آثار نو افلاطونیون با تفصیل و نظم بیان شده است.

۳- مفهوم واسطه‌ای که حقیقت را با امور غیر حقیقی مرتبط می‌کند.»

در ایران جریان انتقال از نظام نو افلاطونی به نظام افلاطون با فلسفه ملاهادی سبزواری به پایان رسید.

آثار سبزواری، این فیلسوف که در حقیقت شارح افکار ملاصدرا است آثاری در این زمینه دارد مانند: کتاب منظومه، که شناخته‌ترین کتاب اوست که در سنین جوانی نگاشته است و کتابی است بسیار پیچیده که می‌توان آن را تلخیص مرتبی از اسفار اربعه ملاصدرا دانست.

آثار دیگر این فیلسوف عبارتند از: حواشی بر اسفار ملاصدرا و رساله الاجوبه الاسراریه دیگر شرح اسماء الحسنی که اثری بسیار محققانه و عمیق است. دیگر شرح بر مبدء و معاد و شرح بر شواهد الربوبیه ملاصدرا و کتاب اصول دین و رساله اشتراک وجود<sup>(۱)</sup>.

حاج ملاهادی سبزواری اشعاری نیز سروده و تخلص او اسرار بوده است، یکی از غزلهای او در زیر نوشته می‌شود:

نه از لعل تو دشنامی نه از نطق تو تقریری	نه از لفظ تو پیغامی نه از کلک تو تحریری
نه رحمی در دل چون آهنش ای آه تأثیری	نه پیکی تا فرستم سوی او ای ناله امدادی
نشد از عقل آسان مشکلم ای عشق تدبیری	به تنگ آمد دلم از نام و از ننگ ای جنون شوری
شبنم زان تار مو، تار ای فروغ دیده تنویری	رهم زین سنگلاخ ای رخس همت پای رفتاری
بشد بنیاد دل زیر و زیر مطرب بزم وزیری	به لب آمد ز درد بی دوا جان ساقیا جامی
نگاه آخرینت ای اجل یک لحظه تأخیری	پس از عمری به بالین مریض خویش می‌آیی
که جان دادیم ای ابرو کمان از حسرت تیری	نگاهی کن از آن چشم خدنگ انداز صید افکن
از آن زلف مسلسل افکنش برپای زنجیری	ز عشق آن پری طلعت بشد دیوانه دل اسرار
حکیم سبزواری پس از آنکه محمدشاه قاجار درگذشت به موطن اصلی خود سبزواری مراجعت کرد و تا پایان عمر در این شهر به سر برد و مانند گذشته به تدریس و تعلیم حکمت و عرفان مشغول بود.	

مشهور است در یکی از سالهای اقامت او در سبزواری، ناصرالدین شاه قاجار برای زیارت عازم

مشهد شد و از آنجا برای ادای احترام به این فیلسوف بزرگ به سبزوار رفت. حاجی در همان خانه ساده و محقر با شاه قاجار ملاقات می‌کند و شاه نهار را نزد او می‌ماند و حاجی بی هیچ تکلف و ظاهر سازی با همان نان و دوغی که همیشه غذای او بود از وی پذیرایی می‌کند. در این سفر بود که ناصرائدین شاه از حکیم سبزواری درخواست می‌نماید تا کتابی به زبان فارسی ساده در باب مبدء و معاد تصنیف کند و حاجی کتاب مشهور و گرانقدر «اسرار الحکم» را می‌نویسد که از متون فلسفی برجسته به زبان فارسی است.

حکیم سبزواری در سال ۱۲۸۹ پس از ۷۷ سال عمر توأم با ریاضت و عبادت دارفانی را وداع کرد.

درباره تاریخ فوت او، شیخ مفید متخلص به داور چنین سروده است.

بود در عالم و آدم مشهور	حاج و حاج که از حکمت و فضل
سبزواری از هنر او معمور	پدرش مهدی و خود هادی بود
گفت در پاسخ او (غائب النور)	سال فوتش کسی از داور خواست

(۱) ۱۲۹۰

دیگری سروده است:

از فرش به عرش ناله سرشد	اسرار چو از جهان بدر شد
گویم (که نمرد زنده‌تر شد)	تاریخ وفاتش از بپرستند

۱۲۹۰

بعد از او فلاسفه دیگر مانند میرزا ابوالحسن جلوه اصفهانی، آقا محمد رضا قمشه‌یی، جهانگیرخان قشقایی، و ملاعلی زَنُوزی صاحب کتاب بدایع الحکم مکتب، ملاصدرا را زنده نگاهداشتند.

### استاد پورداود

از دانشمندان و محققان این دوره است او در ترجمه متون اوستائی تحقیقات زیاد کرده است، آثار او عبارتست از ترجمه و تفسیر اوستا، فرهنگ ایران باستان، اهور مزدا نامه و رساله‌های تحقیقی دیگر.

## ریاضیات

### ریاضیات

مهندس الممالک: میرزا نظام‌الدین غفاری مهندس الممالک، فرزند میرزا ابراهیم غفاری، جزء شاگردانی است که دولت ایران به اتفاق حسن علی‌خان گروسی، برای تحصیل به اروپا فرستاده بود. او در مدرسه پلی تکنیک پاریس مشغول تحصیل گردید. و پس از مراجعت به معلمی ناصرالدین شاه قاجار، منصوب شد. بعدها وی از طرف ناصرالدین شاه، مامور ساختن راه شوسه تهران به آمل، مازندران گردید و بعد از سه سال راه به اتمام رسید و به لقب مهندس الممالک ملقب و مامور ساختن راه تهران به قم گردید.

تألیفات وی به زبان فارسی از این قرار است: دو جلد جبر و مقابله، یک جلد مثلثات، یک جلد هندسه تحلیلی، دو جلد حساب.

در کتاب‌هایی که تألیف کرده، بیشتر اصطلاحات علوم ریاضی و طبیعی را به فارسی درآورده و در حقیقت زبان علمی ایران را، او ایجاد کرده است.

نجم‌الدوله: حاج میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله، فرزند ملاعلی محمد اصفهانی، از دانشمندان ایران و تخصص وی در علوم ریاضی قدیم بوده و بسیاری از مطالب ریاضی جدید از قبیل دستورهای جبری و علم لگاریتم و اعداد را کشف نموده است. نجم‌الدوله در زمان حیات خود، شاگردان دانشمندی تربیت کرده است، از آنجمله، مهندس عبدالرزاق بغایری.

دیگر از شخصیت‌های برجسته در ریاضی و فیزیک و علوم وابسته در این دوره دکتر محمود حسابی، دکتر هشترودی و احمد آرام بوده‌اند و آثار و تألیفات ارزنده‌ای دارند که مورد توجه مقامات علمی جهان واقع شده است.

دکتر محمود حسابی شاگرد پرفسور اینشتاین است که در علم فیزیک نظریه‌هایی دارد، از جمله تئوری بینهایت بودن ذرات است که باعث گردید بالاترین نشان علمی اروپا به او اهدا شود و مرد علمی معرفی گردد.

تحقیقات او درباره مسائل زیر است:

حساسیت سلولهای فتوالکتریک

استنتاج ساختمان ذرات اصلی هسته اتم از نظریه نسبیت عمومی اینشتاین

تحقیق درباره انحراف شعاع نورانی در مجاورت ماده



تحقیق درباره ساختمان ذرات اصلی هسته اتم

تحقیق درباره اثر مجاورت ماده بر مسیر نور

کتاب فیزیک حالت جامد Solid state physics

کتاب Quantum optics

کتاب الکترو دینامیک

کتاب درباره فیزیک جدید

درباره مسائل اجتماعی و فرهنگی نیز آثاری به شرح زیر دارد:

رساله راه ما، کتاب نامه‌های ایران، کتاب درباره توانایی زبان فارسی، تعیین واژه‌های فارسی

در مقابل واژه‌های علمی

دکتر هشترودی و احمد آرام هم مطالعات و تحقیقات و تألیفات زیادی در علوم ریاضی و

فیزیک دارند که بسیار ارزنده و قابل توجه است.

پزشکی

پزشکی

در قرن اخیر، قبل از رواج طب اروپایی در ایران، از عهد صفویه تا دوره ناصرالدین شاه، علم طب در ایران متأسفانه پیشرفتی نداشته و نوابغی مانند گذشته به وجود نیامده و در مدارس و مکاتب این دوره، کتب قدیم مانند قانون ابن‌سینا مورد استفاده بوده است.

طب ایران تا قبل از مشروطیت، در حقیقت مبتنی بر همان طب ابن‌سینا و رازی است، که با مختصر تغییراتی در این دوره مورد عمل بوده.

در زمان فتحعلیشاه عباس میرزا ولیعهد، عده‌ای از جوانان را برای تحصیل به اروپا اعزام داشت، که یکی از آنها میرزا بابا افشار است که طب غرب را از آکسفورد انگلستان به ایران ارمغان آورد و پس از وی به تدریج طب غربی در ایران رایج شد.

ولی نهضت حقیقی در زمان صدارت امیرکبیر انجام گردید. که اقدام به تأسیس دارالفنون نمود.

پزشکان این دوره

ناظم‌الاطباء: میرزا علی اکبر ناظم‌الاطباء فرزند میرزا محمد حسن، طبیب کرمانی است. وی

گذشته از طب در ادبیات و علم لغت نیز تبخّر داشته است.

**افشار حاجی بابا:** از نخستین ایرانیانی است که برای تحصیل علم طب و شیمی در سال ۱۲۲۶ هـ. ق به همراهی «سر هر فرد جونز» وزیر مختار انگلیس به انگلستان رفت و به تحصیل پرداخت او در سال ۱۲۳۴ هـ. ق به ایران بازگشت و به سمت حکیم باشی در دستگاه عباس میرزا راه یافت و تا اواخر سال ۱۲۵۴ هـ. ق طبیب محمد شاه بود.

**سلطان الحکما (حاجی میرزا ابوالقاسم):** طبیب مشهور قرن ۱۳ و ۱۴ به سبک قدیم بود. بسیاری از اطباءى اواخر قاجاریه، شاگرد وی بودند و در دربار ناصرالدین شاه احترام بسیار داشت. او مدتی هم در مدرسه دارالفنون به تدریس علم طب اشتغال داشته و کتابی در این رشته بنام **ناصرالملوک** تألیف کرده است.

از اطباءى معروف می توان از علی همدانی (رئیس الاطباء) و محمد کرمانشاهی معروف به کفری، اعلم الدوله خلیلی ثقفی، نظام الحکماء کاشانی و موتمن الادبا کاشانی نام برد. محمد کرمانشاهی به کشف تازه‌ای در مورد طپش قلب توفیق یافت و صدای مخصوص قلب را ضبط نمود. او تألیفاتی درباره بیماری‌های اطفال و بیماری‌های مقاربتی دارد.

با نفوذ تمدن غرب در ایران، به تدریج از درجه اعتبار طب قدیم کاسته شد.<sup>(۱)</sup>

## چهارمین فصل

### جغرافیا

از کتابهای جغرافیای این دوره یکی کتاب **جام جم** تألیف فرهاد میرزا معتمدالدوله که حاوی مطالبی درباره جغرافیای ولایات و ایالات ایران است دیگر کتاب **مرات دلبدان و مطلع اشمس** تألیف اعتمادالسلطنه و کتاب **گنج دانش** تألیف محمدتقی خان حکیم.

در سفرنامه‌ها از جمله **سفرنامه مسعودی** تألیف **مسعود میرزا ظل السلطان** و **سفرنامه‌های ناصرالدین شاه** و کتاب **بستان السیاحه** تألیف حاجی زین‌العابدین شیروانی و نوشته‌های سیاحان و مأمورین سیاسی که به ایران آمده‌اند درباره جغرافیای ایران مطالب ارزنده‌ای دارد از جمله کتاب **مأموریت گاردان به ایران**، کتاب **مسافرت به ایران** نوشته **پرنس الکیس** کتاب **سه سال در ایران** تألیف **دکتر فوریه طبیب مخصوص ناصرالدین شاه**، **سفرنامه از خراسان تا بختیاری** تألیف **هانری رنه** حاوی اطلاعات دقیق جغرافیائی درباره خوزستان و ایران مرکزی است.

## تاریخ

مورخان این دوره از جمله لسان‌الملک، رضا قلی خان هدایت، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه چون از درباریان بودند کمتر به ذکر حقایق پرداخته و کوشش داشته‌اند که از ذکر فجایع و زشتیها خودداری نمایند ولی در هر حال آثار آنها آموزنده و ارزنده است.

بعضی از شاهزادگان قاجار از جمله جهانگیر میرزا و ظل‌السلطان در آثار خود بیشتر حقایق را که متملقان نوشته‌اند ذکر نموده‌اند.

بعضی از مورخان ایندوره از جمله میرزا جعفر خورموجی حقایق نگار تا حدی بی طرفی و بیغرضی را در ذکر وقایع رعایت کرده‌اند.

## مطبوعات

مطبوعات

میرزا تقی خان امیرکبیر علاوه بر خدمات بیشماری که در مدت کوتاه زمامداری خود انجام داد، به نشر روزنامه و پخش اخبار نیز پرداخت. هنوز هم روزنامه رسمی کشور که انتشار آن با وزارت دادگستری است، در حقیقت دنبالهٔ روزنامه امیرکبیر یعنی «روزنامه وقایع اتفاقیه» است.

در اینجا ضرورت دارد در خصوص کلمه روزنامه توضیحاتی داده شود. این کلمه از قدیم‌ترین روزگاران که تاریخ آن را به درستی نمی‌توان معلوم کرد، در زبان فارسی وجود داشته و یکی از اصطلاحات دیوانی و دولتی در عهد ساسانیان بوده است و در آن ادوار به معنی دفتر روزانه به کار می‌رفته و در چنین دفتری در تشکیلات اداری ساسانیان، کلیهٔ امور مالی و غیر مالی روز بروز در آن ثبت و ضبط می‌گردیده است و به آن روزنامه می‌گفتند. بعدها که در امپراطوری اسلام، بر مبنای تشکیلات اداری ساسانیان، دیوان و دفتر به وجود آمد، کلمهٔ روزنامه معرب شد و روزنامج گردید. دلیل و سند این موضوع کتاب مفاتیح العلوم خوارزمی است که گنجینه‌ای است از اصطلاحات علمی و ادبی و فقهی و تاریخی و در این کتاب چنین آمده است «الروزنامج تفسیره کتاب الیوم لانه یکتب فیه مایجری کل یوم من استخراج اونفقه او غیر ذالک» یعنی روزنامه معنای آن دفتر روزنامه است زیرا در آن کلیهٔ جریانات از امور مالی و غیر مالی نوشته می‌شود. و در شاهنامه فردوسی هم به همین معنی آمده است. بعدها کلمهٔ روزنامه بر همین اساس به معانی دفتر اعمال، نامه اعمال، دفتر راهنما، گزارش وقایع و یادداشت حوادث روزانه استعمال شده و در دورهٔ قاجاریه به معنای گزارش

وقایع به کار رفته است. گزارشی را که والی کرمان از حوادث حوزه حکومتی خود به تهران می‌فرستاد روزنامه کرمان و گزارشی را که حاکم تهران از رویدادهای پایتخت به دربار تسلیم می‌کرد، روزنامه تهران می‌نامیدند و تا انقلاب مشروطیت در بسیاری از موارد از کلمه روزنامه همین معنی و مفهوم استنباط می‌شد و در روزگار امیرکبیر نیز کلمه روزنامه فقط به معنای نشریه‌ای که روزانه منتشر شود، به کار نمی‌رفته است.

روزنامه ایران بعد از وقایع اتفاقیه منتشر شد و هفته‌ای سه شماره انتشار می‌یافت و مدیریت آن با اعتماد السلطنه بود و از شماره ۵۶ نامش روزنامه ایران سلطانی گردید.

در همین دوره، وزارت انطباعات یک روزنامه با چاپ برقی بنام خلاصه الحوادث در یک ورق انتشار داد و در سال ۱۳۱۶ (جمادی‌الآخر) تا شوال ۱۳۲۱ هفته‌ای شش شماره منتشر می‌گردید.<sup>(۱)</sup> در اواخر دوره ناصرالدین شاه، کلمه روزنامه به معنای نشریه‌ای به کار رفته است که مرتب و در فاصله‌های معین انتشار یابد.

چهارده سال قبل از آنکه امیرکبیر به فکر انتشار روزنامه بیفتد، به وسیله میرزا صالح شیرازی کازرونی، نشریه‌ای ماهیانه، بدون عنوان منتشر شده است.

نخستین شماره این نشریه روز شنبه ۲۵ محرم سال ۱۲۵۳ هجری قمری انتشار یافته است. اطلاعات کافی از این نشریه در دست نیست و نمی‌دانیم چند سال منتشر شده و در هر نوبت چند شماره انتشار می‌یافته و چه تأثیری در اذهان و افکار مردم داشته است.

میرزا صالح شیرازی از محصلینی بود که همراه چهار نفر دیگر به فرمان عباس میرزا نایب‌السلطنه در سال ۱۲۳۰ از تبریز به انگلستان رفت و مدت چهار سال در آنجا تحصیل کرد. در اینکه میرزا صالح نخستین روزنامه‌نگار ایران بوده است، هیچ تردیدی نیست و آنچه هم که مسلم است این است که نخستین نشریه مرتب و منظم به دستور میرزا تقی خان امیرکبیر و به تشویق او منتشر شده است. نخستین شماره آن «روزنامه اخبار دارالخلافة» نام داشته و از شماره دوم به بعد «روزنامه وقایع اتفاقیه» نامیده شده است.

خبر انتشار این روزنامه در منتظم ناصری به این شرح آمده است.

«هم در این سال در این دولت جاوید مدت یعنی دارالخلافة باهره روزنامه دولتی حاوی اخبار داخله و خارجه و بعضی اعلانات تجارتنی و غیره ایجاد شد.»

سال ۱۲۶۷ هجری قمری که سال انتشار این روزنامه است، برابر است با سال ۱۸۵۱ میلادی بنابراین بین نخستین روزنامه‌ای که در جهان (البته بعد از اختراع چاپ) منتشر شده و روزنامه وقایع اتفاقیه ۲۳۶ سال فاصله است.

نخستین روزنامه به مفهوم و معنای امروز در سال ۱۶۱۵ میلادی در آلمان بنام (فرانک فورترژورنال) انتشار یافت و در این زمان در ایران شاه عباس کبیر حکومت داشته است) هفت سال بعد یعنی سال ۱۶۲۲ در انگلستان و شانزده سال بعد یعنی ۱۶۳۱ در فرانسه به انتشار روزنامه اقدام شده است و به هر حال در تاریخ روزنامه‌نگاری بین اولین روزنامه در جهان و روزنامه ایران با توجه به تاریخ روزنامه میرزا صالح، ۲۲۲ سال فاصله وجود دارد.

نوشته‌اند قدیمترین روزنامه جهان در ۱۲۰۰ سال قبل به نام کین بال در چین منتشر شده است و هنوز هم منتشر می‌شود.

روزنامه وقایع اتفاقیه تا شماره شانزدهم مورخ ۲۱ رجب ۱۲۶۷ روزهای جمعه و از آن به بعد روزهای پنجشنبه در شش صفحه و گاهی در هشت صفحه منتشر می‌شد. انتشار آن دهسال ادامه یافت. آخرین شماره در بیست و ششم محرم سال ۱۲۷۷ تحت عنوان «روزنامه وقایع» منتشر شده و مجموعاً ۴۷۱ شماره انتشار یافته است. قیمت روزنامه در طول دهسال هیچ تغییری نکرده و بهای تک شماره آن دهشاهی و آبونمان سالیانه ۲۴ قران (ریال) و بهای آگهی نیز هر سطری ده شاهی بوده است. شکل روزنامه در طول دهسال تغییر نکرده و بین شماره اول آن و شماره‌های آخر تفاوت زیادی وجود ندارد فقط در تصویر شیر و خورشید که بالای صفحه است، مختصر تغییراتی مشاهده می‌شود که آنها به علت تعویض خطاط و نقاش بوده است.

روزنامه وقایع اتفاقیه، چندین امتیاز داشت، اول - اینکه بهای خواربار و مایحتاج مردم در بعضی از شماره‌های آن درج می‌شد. آگهی‌هایی که بطور نادر فروشندگان کالا می‌داده‌اند و بهای آنها را هم تعیین می‌کردند، برای تحقیق در تاریخ اقتصادی ایران خیلی مفید است. برای نمونه قیمت چند نوع خوراکی را از شماره ۲۸۷ که در پنجشنبه ۲۸ ذی‌قعدة ۱۲۷۲ منتشر شده نقل می‌کنیم. به عنوان مثال گندم یک خروار دو تومان روغن چهار من یازده هزار و پانصد دینار (یازده ریال و نیم)

دوم - این که در روزنامه آگهی‌هایی نیز از طرف دولت، تحت عنوان اشتهار نامه منتشر می‌شد، تحقیق در این اعلامیه‌ها از نظر تاریخ تحولات و تطورات اجتماعی مفید بوده است.

سوم - اخبار مسافرت‌های ناصرالدین شاه به دقت درج و در ضمن اخبار شهرستانها، گاهی اوضاع جغرافیایی نیز نوشته می‌شده است.

در سال ۱۲۹۹ دارالفنون، روزنامه‌ای بنام **دانش منتشر** کرد و از ماه رجب ۱۲۹۹ تا صفر ۱۳۰۰، شماره ۱۴ از این روزنامه انتشار یافت، که البته کلیه مطالب آن علمی بوده است.

ذکاءالملک یکی از آزاد مردان ادیب و دانشمند ایران بود و تمام عمر خود را در نشر فرهنگ جدید صرف کرد. بسیاری از تحصیل کرده‌های اواخر دوره ناصرالدین شاه و دوره مظفرالدین شاه، تربیت یافتگان مکتب این مرد علم دوست بودند. ذکاءالملک آثار گرانمایی در تألیف و ترجمه تاریخ ملل از خود بیادگار گذارده و کتابهایی که برای روشن کردن افکار عمومی مفید بوده، ترجمه کرده و در دسترس عامه قرار داده است.

در زمان سلطنت مظفرالدین شاه او روزنامه **تربیت** را منتشر کرد و سید حسن خان عدالت نیز روزنامه‌ای در تبریز بنام **الحدید** منتشر نمود و پس از مشروطیت بنام روزنامه عدالت انتشار یافت. پیش از مشروطیت، روزنامه به مفهوم امروز وجود نداشت، فقط ورقه‌ای بنام روزنامه دولتی در دوره ناصرالدین شاه به طبع می‌رسید که حاوی احکام و فرامین دولتی بود و اخباری از جمله سلامتی شاه و یا رفتن شاه به شکار و از این قبیل مطالب منتشر می‌کرد و یا می‌نوشت که خداوند به فلان شاهزاده خانم پسری عطا فرموده و یا فلان کسی به نشان همایون مفتخر گردیده و یا فلان شاهزاده به حکومت قسمتی از ایران گماشته شده است ولی از اوضاع اجتماعی و سیاسی در آن روزنامه مطالبی نمی‌نوشتند.

پیش از مشروطیت، چند روزنامه در کشورهای خارج منتشر می‌شد و علت موفقیت این روزنامه‌های ملی، آزادی عملی بود که نویسندگان آن جراید در کشوری که زندگانی می‌کردند داشتند و به همین علت آنچه را که در صلاح ملک و ملت بود می‌نوشتند. این نامه‌های ملی هر یک در سهم خود خدمات زیادی در نشر اصول آزادی و عدالت و منافع قانون و بیداری ایرانیان و ملل شرق کرده‌اند و نام نویسندگان و مؤسسين آنها برای همیشه در تاریخ مشروطیت ایران، جاویدان خواهد ماند.

**روزنامه عروة الوثقی:** این روزنامه که به وسیله سید جمال‌الدین اسدآبادی در پاریس منتشر می‌شد در اندک زمانی در خاورمیانه و کشورهای اسلامی رواج و شهرت پیدا کرد و نهضتی در شرق به وجود آورد و باعث تحولاتی در بعضی از کشورهای آسیایی گردید. متأسفانه به علت ممانعت شدیدی که برای ورود جراید خارجه به ایران، وجود داشت، جز عده معدودی از ایرانیان که به زحمت به آن نامه ملی دست می‌یافتند، برای دیگران مطالعه آن مقدور نبود.

**روزنامه قانون:** روزنامه قانون را میرزا ملکم‌خان در لندن منتشر می‌کرد و به خلاف بسیاری از

جراید ایرانی طرفدار تمدن جدید بود و تمدن دنیای مترقی را به خوانندگان معرفی می‌کرد و فلسفه پیدایش ترقیات را تشریح می‌نمود و سرّ موفقیت ملل اروپا را به خوانندگان یادآور می‌شد و اعلام می‌کرد که همه این ترقیات زائیده وجود قانون و مساوی بودن همه افراد در مقابل قانون است او عقیده داشت برای اینکه ایران در جرگه ملل مترقی جهان جای گیرد و از نعمت ترقی برخوردار شود، باید قانون داشته باشد و قانون در کشور حکومت کند نه اراده شخصی در روزنامه قانون از ترقیات اقتصادی و راههایی که ملل اروپا پیموده و بدان وسیله ثروتمند شده‌اند مطالبی نوشته می‌شد و تأسیس بانک ملی را بر طبق اصول علم اقتصاد، اساس بهبود اوضاع مالی دولت ایران معرفی می‌کرد.

روزنامه قانون به شاه و زمامداران کشور ایران اعلام می‌کرد که هرگاه قانون در مملکت حکومت کند، کشور ایران به طرف ترقی خواهد رفت و بهبودی در دستگاه دولت پیدا خواهد شد و دولت ایران مورد اعتماد سایر ملل قرار خواهد گرفت. بنابراین می‌توان روزنامه قانون را در پیدایش نهضت مشروطیت و آزادی ملت ایران یکی از عوامل مهم به شمار آورد، البته نه تنها عامل، چون نقش سیاست‌های خارجی را نیز نباید از نظر دور داشت.

**روزنامه حبل‌المتین:** اولین روزنامه فارسی که ایرانیان در هند منتشر کرده‌اند، روزنامه حبل‌المتین است که در کلکته به وسیله سید جلال‌الدین حسینی کاشانی (مؤید الاسلام) دایر گردیده است. نامه حبل‌المتین یگانه مرجع انتشار افکار آزادی خواهان بود، و آنها که آرزو مند حکومت قانون بودند می‌توانستند عقاید خود را منتشر و در دسترس افکار عمومی بگذارند. روزنامه حبل‌المتین یگانه وسیله‌ای بود که در آن ناله مظلومانی که در فشار استبداد و ظلم ظالمان گرفتار بودند، به گوش ملل جهان و فارسی زبان‌های دنیا می‌رسانید، روزنامه حبل‌المتین یگانه عاملی بود که مفاسد اجتماعی و سیاسی را به بهترین سبکی تجزیه و تحلیل می‌کرد و هر هفته در بیست صفحه در کلکته منتشر می‌شد. هر شماره آن حاوی چندین مقاله سودمند سیاسی و اجتماعی بود که درباره اوضاع دلخراش ایران مطالبی می‌نوشت و از فلسفه بیداری کشور ژاپن، مردم را آگاه می‌ساخت. حبل‌المتین در تشویق مردم به تأسیس مدارس، مساعی بسیار به کار می‌برد و کوشش می‌کرد غرور ملی را در آنان ایجاد کند. در تمام شماره‌های حبل‌المتین، مقالاتی از آزادیخواهان ایران که در پیدایش نهضت مشروطیت کوشش می‌کردند درج می‌شد.

**روزنامه پرورش:** پرورش در آن زمان تاریک، چون ستاره درخشان در افق مصر طلوع کرد (خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود) ولی عمرش کوتاه و بیش از سی شماره منتشر نشد. این

نامه ملی به قلم توانای میرزا محمدعلی خان پرورش نوشته و منتشر می‌گردید. مقالات آن نظر اصلاح طلبان و آرزومندان آزادی را جلب نمود و مردم را از خواب غفلت تا حدی بیدار کرد. و در محافل آزادیخواهان آن زمان جوش و خروشی ایجاد نمود که تأثیراتش در انتشار اصول آزادی و عقاید دمکراسی بسیار بود. روزنامه پرورش در مدت عمر کوتاه خود یک هیجان روحی و نهضت معنوی در میان ایرانیان مستعد به وجود آورد و آنها را برای به دست آوردن حقوق ملی تشویق نمود، ولی متأسفانه عمر کوتاه مدیر روشن ضمیرش به حیات این نامه ملی خاتمه داد.

در دوران استبداد روزنامه‌هایی از قبیل اختر به مدیریت آقا محمد ظاهر که بیش از هر روزنامه دیگری در بیداری مردم ایران مؤثر بود، در اسلامبول انتشار یافت و حکمت در مصر به زبان فارسی منتشر می‌شد و روزنامه‌های دیگر که پس از مشروطیت در تبریز منتشر گردید، عبارتند از: روزنامه ملی، روزنامه انجمن، روزنامه امید، روزنامه آزاد، اتحاد ملی، عدالت، فریاد و در تهران روزنامه‌های حی‌علی الفلاح، صراط مستقیم، حلم آموز، الجناب و کلید سیاسی<sup>(۱)</sup> علاوه بر روزنامه‌هایی که ذکر شد جراید دیگری نیز به شرح زیر منتشر می‌گردید که در تنویر افکار بی‌اثر نبوده است.

آفتاب	به مدیریت	ادیب الممالک
ارشاد	به مدیریت	مؤید الممالک (فکری)
بامداد روشن	به مدیریت	میرزا محمدعلی خان خراسانی
پرورش (مصور)	به مدیریت	معتضد الاطباء
ستاره ایران	به مدیریت	کمال السلطنه
شهاب ثاقب	به مدیریت	میرزا محمدعلی نراقی
شوری	به مدیریت	ناصر الاسلام گیلانی
عصر جدید (مصور)	به مدیریت	متین السلطنه ثقفی
عهد انقلاب	به مدیریت	میرزا آقا خان همدانی
نویهار	به مدیریت	ملک الشعراوی بهار
مجله پروین	به مدیریت	سید عبدالرحیم خلیجی



## روزنامه زنان

اولین روزنامه که در ایران، برای زنان منتشر شده روزنامه، دانش است که همسر دکتر حسین خان کمال در تهران در سال ۱۳۲۸ انتشار داد. پس از آن روزنامه شکوفه که مزین السلطنه دختر میرزا سید رضی (رئیس الاطباء) در سال ۱۳۳۱ (ربیع الاول) منتشر کرد و تا سال ۱۳۳۴ ادامه داشته است. پس از آن روزنامه زنان به مدیریت صدیقه دولت آبادی است که در سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۳۹ در اصفهان انتشار یافته است.

مجله جمعیت نسوان وطن خواه به مدیریت خانم نورالهدی در تهران از ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۵ شمسی منتشر شده است.

مجله پیک سعادت نسوان از ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۸ و پس از آن مجله دختران ایران به مدیریت زند دخت در شیراز ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۱ (۷ شماره) انتشار یافته است.

## روزنامه‌های فکاهی

اولین روزنامه فکاهی به زبان فارسی، روزنامه طلوع است که در ۱۳۱۸ قمری، عبدالحمید خان نقفی در تهران انتشار داد و بعدها روزنامه هفتگی عصر جدید را منتشر نمود.

روزنامه چرند و پرنده به مدیریت علی اکبر دهخدا و روزنامه نسیم شمال به مدیریت اشرف‌الدین حسینی از روزنامه‌های فکاهی این عصر است.

روزنامه هفتگی آذربایجان در تبریز به وسیله علیقلی خان صراف در سال ۱۳۲۵ قمری انتشار یافت (۱)

## روزنامه‌های فنی و علمی

در دوره ناصرالدین شاه، غیر از روزنامه وقایع اتفاقیه روزنامه‌های دیگری نیز انتشار یافته است، از جمله علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه، وقتی وزیر علوم و معارف بود، دو نشریه هفتگی انتشار داد و یکی به نام روزنامه علمی دولت ایران که از ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۷ در ۵۳ شماره منتشر گردید و در هر شماره آن ترجمه عربی و فرانسه آن هم ضمیمه بوده است. این روزنامه بار دیگر بنام روزنامه علمی از ۱۲۹۷ - ۱۲۹۳ (ق) در ۶۴ شماره فقط به زبان فارسی منتشر شده است.

روزنامه دیگر بنام روزنامه ملتی است که در محرم ۱۲۸۳ تا جمادی الاخر ۱۲۸۷ در ۳۴ شماره انتشار یافت، که دارای مقالات علمی و ادبی بوده است.

ناصرالدین شاه وقتی که به مسافرت می‌رفت یک چاپخانه سنگی در اردوی او بود که شرح سفرهای او را در روزنامه مخصوص به خط نستعلیق چاپ می‌کردند. یکی از این روزنامه‌ها موات السفر نام دارد که مربوط به سفر مازندران و دیگری مربوط به سفر خراسان است به نام روزنامه اردوی همایون که در ۱۲ شماره انتشار یافته است.

در زمان صادرات حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله یک روزنامه نظامی بنام مویخ از ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۷ (ق) در ۱۸ شماره چاپ شده است.

### روزنامه‌های مصور

یکی از روزنامه‌های مصور این دوره، روزنامه شرف است که به وسیله محمد حسن خان (صنیع الدوله) که بعدها لقب اعتمادالسلطنه گرفت، منتشر گردید.

این روزنامه در ۸۷ شماره که شماره اول آن در محرم ۱۳۰۰ (ق) و شماره آخر آن در ۱۳۰۹ (ق) انتشار یافت.

اهمیت زیاد این روزنامه در این است که همه به خط میرزا رضا کلهر است او از بهترین خوشنویسان نستعلیق این عصر است تا شماره ۷۴ نقاشی‌های آن از میرزا ابوتراب غفاری نقاش باشی معروف است که تصویر کسانی را که شرح حالشان در این روزنامه چاپ شده، کشیده. در زمان مظفرالدین شاه، پسر اعتمادالسلطنه، کار پدر را تقلید کرد و روزنامه‌یی به همان روش و با تصاویری به نام شرافت از ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۱ (ق) ۲۶ شماره انتشار داد. تصاویر روزنامه، کار میرزا مهدی خان نقاش است که بعدها مصورالملک لقب گرفت، البته این روزنامه از حیث چاپ و زیبایی خط و نقاشی، به پای روزنامه شرف نمی‌رسید.

در همین دوره روزنامه مصور دیگری از ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۵ (ق) در ۴۸ شماره بنام شاهنشاهی منتشر گردیده است.

### روزنامه شهرستانها

بعد از ورود اولین دستگاه چاپ، کم‌کم، همه شهرستانها به تهیه ماشین چاپ اقدام کردند، چون دستگاه چاپ، اولین بار از کشور روسیه و از راه تبریز به ایران آورده شد، بنابراین شهر تبریز اولین

شهری است که از دستگاه چاپ برای نشر روزنامه استفاده کرده است. بعدها شهرهای شیراز، اصفهان، مشهد، رشت و سایر شهرهای ایران صاحب دستگاه چاپ گردیدند.

اولین شهری که بعد از تهران صاحب روزنامه گردید، شهر شیراز است. در سال ۱۲۸۹ یک روزنامه هفتگی شامل اخبار داخلی و خارجی با چاپ سنگی به خط نستعلیق منتشر گردید، که شماره اول به زبان عربی و تاریخ انتشار آن ۲۰ جمادی‌الثانی سال ۱۲۸۹ است، اما از شماره دوم مطالب آن به فارسی چاپ گردید.

بعد از فارس در اصفهان روزنامه فرهنگ در سال ۱۲۹۶ بنا به دستور مسعود میرزا ظل‌السلطان به مدیریت میرزا تقی‌خان منتشر گردید.

مظفرالدین شاه که ولیعهد بود و در تبریز اقامت داشت از انتشار روزنامه در اصفهان باخبر گردید. به دستور او نیز روزنامه‌ای بنام تبریز به مدیریت حسین کمال منتشر شد.

روزنامه فرهنگ مدت ۱۵ سال در اصفهان منتشر گردیده و اهمیتش از روزنامه تبریز بیشتر بوده است. بعد از اصفهان شهرهای رشت، مشهد، بوشهر صاحب روزنامه شدند. مهمترین روزنامه‌های رشت، نسیم شمال، کنکاش، صدای رشت و کیلان و خیرالکلام است، بیشتر روزنامه‌های رشت در دوران مشروطیت منتشر گردیده.

اولین شماره خیرالکلام در ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ انتشار یافته است، این روزنامه ابتدا هفته‌ای دو شماره منتشر می‌گردید ولی از سال سوم به صورت یومیه در آمد.

این روزنامه در اختیار عموم مردم بود و از درج شکایات و شرح تظلمات خودداری نمی‌کرد و به همین جهت مدیر آن افصح المتکلمین، مورد آزار و شکنجه قرار گرفت و برای دادخواهی به تهران آمد<sup>(۱)</sup>

روزنامه نسیم شمال که در سالهای اول مشروطیت منتشر گردید، مدیریت آن با سید اشرف گیلاتی بود. اشعاری به صورت فکاهی در این روزنامه منتشر می‌شد که مسائل سیاسی را در ضمن فکاهیات مطرح می‌کرد. روزنامه صدای رشت در سال ۱۳۲۹ در هفته دو شماره منتشر می‌شده و مدیریت آن با آقای احمدزاده بوده است.

در بوشهر روزنامه ناصری توسط لیبب الملک انتشار یافت و چون به درج حقایق و تحریک آزادیخواهان می‌پرداخت مورد خشم عین‌الدوله واقع گردید و مدیر آن تحت شکنجه قرار گرفت و

درگذشت.

در شهر تبریز اولین مجله‌ای که انتشار یافت، **گنجینه فنون** نام داشت که در سال ۱۳۲۰ در تبریز منتشر گردید، ناشرین این مجله، آقای تربیت، سید حسن خان، و یوسف اعتصام‌الملک و آقای تقی زاده بوده‌اند<sup>(۱)</sup>

### نخستین روزنامه به زبان خارجی

مقالات روزنامه علمی به زبان فرانسه ترجمه و منتشر می‌گردید ولی اولین روزنامه‌ای که به زبان فرانسه در تهران منتشر شده است، روزنامه‌ای است بنام *Patrie* و نویسنده آن بارون لورنی دونرمان بلژیکی بوده است. *Louise Norman* از این روزنامه فقط یک شماره منتشر گردید. روزنامه دیگری به زبان فرانسه بنام *Echo de Perse* که فقط هفده شماره انتشار یافت. (از ۲۱ مارس ۱۸۸۵ - ۴ جمادى الاخر ۱۳۰۲ تا ۱۵ فوریه ۱۸۸۸ تا دوم جمادى الاخر ۱۳۰۵) روزنامه دیگری نیز به نام *Alliance Francaise* که در ۳۷ شماره منتشر گردیده است.

### عوامل مؤثر در بیداری مردم

در اوایل حکومت فتحعلیشاه به علت آمدن هیئت نظامی به ریاست ژنرال گاردان و اقداماتی که آنها برای تقویت و تکمیل سپاه ایران به عمل آوردند، زمامداران ایران را به لزوم اقتباس تمدن اروپایی و آشنایی به فرهنگ پیشرفته مغرب زمین متوجه کردند، که در نتیجه عباس میرزا عده‌ای از جوانان را برای کسب علوم جدید به انگلیس و فرانسه و روسیه اعزام داشت و برای بهبود وضع اقتصادی مملکت، کارخانه‌های توپ‌ریزی و باروت‌سازی و پارچه بافی را در آذربایجان تأسیس نمود.

آشنایی ایران با تمدن جدید در دوره ناصرالدین شاه نتیجه اقدامات بعضی از وزراء و شخصیت‌های روشن‌بین این دوره است.

میرزا علی‌خان امین‌الملک که بعدها امین‌الدوله لقب یافت و بعضی از تجار مثل حاجی محمدحسن اصفهانی ملقب به امین‌الضرب و یحیی‌خان مشیرالدوله و اعتضادالسلطنه نیز در نشر